

بررسی برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران

محمد رضا دوستی زاده*

استادیار زبان آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمود خدابنده**

دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۰، تاریخ تصویب: ۹۲/۱۱/۱۳)

چکیده

در تدوین و تنظیم و نگارش برنامه درسی، برنامه‌ریزان و کارشناسان و محققان باید از آخرین پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی در این زمینه بهره‌جویند، عدم دقت لازم به این امر، سرانجام باعث افت کل نظام آموزشی می‌شود. نویسندگان مقاله پیش رو در نظر دارند در ابتدا به کوتاهی، دانشگاه‌های ایران را که در آنها زبان آلمانی، با گرایش‌های مختلف، آموخته می‌شوند، معرفی کنند و سپس به تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی برنامه درسی موجود در رشته مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی گروه زبان آلمانی دانشکده زبان‌های خارجی مجتمع پیامبر اعظم دانشگاه آزاد اسلامی، با توجه به برنامه درسی و تأثیر آن بر ارائه رشته پردازند و نقاط ضعف و قوت آن را مطرح کنند. در پایان مقاله، یافته‌ها و نتایج حاصل از تحقیق در قالب پیشنهادها و توصیه‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود و ارتقای سطح کیفی و کمی این رشته ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، ساختار آموزشی، مهارت‌های زبانی، آموزش مترجم، یادگیری.

* تلفن: ۶۱۱۱۹۲۲۳-۰۲۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: dostizadeh@ut.ac.ir

** تلفن: ۴۴۲۳۵۸۶۵-۰۲۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: khodabandeh.berlin@yahoo.de

مقدمه

برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی در گروه آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی با توجه به اظهارات شفاهی مسئولان همان دانشکده، پیش از تأسیس این گروه، توسط گروه آلمانی دانشگاه تهران تدوین شده است که تا تاریخ نگارش این مقاله هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. حتی اگر این برنامه بر مبنای آخرین پژوهش‌های علمی و از طرف کارشناسان و برنامه‌ریزان متخصص در آن زمان نگاشته شده باشد، باز هم نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کنونی دانشجویان رشته مترجمی و گروه آلمانی دانشگاه آزاد باشد. از طرف دیگر، باید مد نظر داشت که گروه آلمانی دانشگاه آزاد شرایط و ساختارهای متفاوتی را با گروه آلمانی دانشگاه تهران دارد. بدیهی است که برای انجام هر کاری باید برنامه‌ریزی داشت و بعد راهبردهای مورد نظر برای رسیدن به هدف را تدوین کرد، بنابراین فقط طرح مسئله که همان بررسی برنامه درسی است، کافی نیست، بلکه باید ابزار و راهبردهای مناسب را در رسیدن به این اهداف در نظر داشت و اقدامات لازم را انجام داد.

این مقاله بر آن است که به پرسش کلیدی زیر در این زمینه پاسخ دهد.

برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی در دانشگاه یاد شده، به چه میزان از شاخص‌ها و معیارهای علمی یک برنامه آموزشی برای این رشته برخوردار است؟
در زمینه چگونگی انجام بررسی حاضر لازم به ذکر است که این پژوهش به طور عمده از مطالعات کتابخانه‌ای برآمده است و در گستره میدانی، از ۴ استاد و ۳۲ دانشجوی رشته مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ خرداد ماه ۱۳۹۱ پژوهش‌های آماری به عمل آمده که از نتایج آن در طول این مقاله استفاده می‌شود.

بحث و بررسی

در برنامه‌ریزی درسی زبان‌های خارجی، میان متخصصان آن در زمینه گونه‌های مختلف برنامه درسی، نوعی منازعه و کشمکش وجود دارد. برخی نظریه‌پردازان، از جمله گروه بر این باورند که تلاش‌های تدوین‌کنندگان برنامه درسی و کارشناسان این رشته، باید بیشتر معطوف به واقعیت‌های جامعه مقصد با اتکا به واقعیات مشابه در جامعه مبدأ است. گروه بر این باور است که عملی بودن یا نظری بودن برنامه درسی را نمی‌توان به عنوان یک رخداد طبیعی تلقی کرد. به‌روز بودن برنامه درسی و تأثیرپذیری آن از تحولات گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه باعث می‌شود که دارای تأثیر و تأثر متقابل با محیط خود

باشد. برنامه درسی مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر که با بافت انتظارات، آرزوها و باورهای جامعه گره خورده است، مدام در حال تغییر و تحول است (کروشه، ۱۹۹۷، ۶۸). برونسل نظریه برنامه درسی را مجموعه‌ای از نظریه‌ها و واقعیت‌های مرتبط به هم می‌داند که از طریق مشخص کردن ارتباط میان عناصر برنامه درسی و هدایت فرایند تدوین، ونیز سنجش و ارزیابی عملی آن، به برنامه درسی یک رشته معنا می‌بخشند (برونسل، ۲۰۰۲، ۲۴). در مقابل این عده، برخی دیگر بر این باورند که بسیاری از مباحث تعلیم و تربیت بیش از حد نظری تدوین شده‌اند. حقیقت این است که برنامه درسی، پدیده‌ای متغیر و تابعی براساس آخرین یافته‌های دانشمندان جوامع مبدأ و مقصد است (کروم، ۲۰۰۷، ۱۷۶). بنابراین برنامه‌ریزی درسی رشته زبان‌های خارجی کارکرد یا بعد عملی دارد اما راه رسیدن به نتایج عملی در این گیرودار توجه به مباحث نظری و با تکیه بر علم آموزش در برنامه درسی و ابعاد گوناگون آن است. با توجه به مطالب بالا در ادامه، نظریه‌های مطرح برنامه درسی به طور اجمالی بررسی می‌شوند.

پلیوس نظریه خود را بر این اساس تعریف کرده است که میان آموزش و برنامه درسی ارتباطی هدفمند وجود دارد. بر این اساس، پژوهش درباره فرایند آموزش به عنوان یک منبع مهم برای پایه‌ریزی برنامه درسی در نظر گرفته می‌شود و برنامه درسی در پی تشریح ارتباط محتوا با روش‌های تدریس است (پله و س، ۲۰۰۷، ۱۴). در این باره نظریه بارکوسکی بسیار قابل تأمل است. این نظریه برنامه درسی را مجموعه‌ای از تجزیه و تحلیل‌های نظام‌مند تفسیرها و یافته‌ها درباره ضرورت‌های برنامه درسی تعریف می‌کند (بارکوسکی، ۲۰۰۱، ۸۱۵). وی در تبیین مفهوم برنامه درسی، شروط زیر را لازم می‌داند:

۱- برنامه درسی باید با توجه ویژه به تفاوت فرهنگ‌های مبدأ و مقصد، قابل بازبینی باشد. یعنی تدوین‌کنندگان باید قادر باشند از طریق مطالعات مقایسه‌ای یک نوع همخوانی در درس ایجاد کنند.

۲- برنامه درسی باید بر اساس نظریه‌های مختلف در مورد آموزش زبان و در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی باشد. بر این اساس در تدوین برنامه درسی توجه به مسائل فرهنگی نیز در آموزش زبان ضروری است. بنابراین باید برنامه آموزشی با توجه به ارزش‌های اجتماعی و تربیتی جامعه مقصد مورد بازنگری و بررسی قرار گیرد.

۳- با توجه به اینکه آموزش زبان‌های خارجی مبحثی میان رشته‌ای است، برنامه درسی باید از یافته‌های رشته‌های مرتبط، نظیر روانشناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی بهره‌برد و در

عین حال بر آموزش متمرکز باشد (بارکوسکی، ۲۰۰۱، ۸۱۹).
در ادامه با توجه به نظریه‌های ارائه شده، برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی مجتمع پیامبر اعظم دانشگاه آزاد اسلامی تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد. تا زوایای مختلف این برنامه درسی مورد ارزیابی علمی و عملی قرار گیرد.

تجزیه و تحلیل و نقد برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی

تأسیس گروه آلمانی دانشگاه آزاد به سال ۱۳۶۴ برمی‌گردد. این گروه فعالیت خود را با ۵ مدرس و ۱۲۰ دانشجو در رشته مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی آغاز کرد که بعدها رشته‌های تحصیلی ادبیات آلمانی در مقطع کارشناسی و آموزش زبان آلمانی در مقطع کارشناسی ارشد به آن افزوده شد. در سال‌های آغازین تأسیس گروه آلمانی، روند پذیرش دانشجو از شتاب بالایی برخوردار بود که این مسئله گروه آلمانی را مجبور به جذب مدرسان بیشتری کرد.

بنابر اعلام اداره آموزش واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی در تهران، رشته مترجمی زبان آلمانی از ۸ نیم سال و یک دوره پیش‌دانشگاهی تشکیل می‌شود، که در مجموع ۴/۵ سال طول می‌کشد و ۱۵۷ واحد درسی را دربر می‌گیرد که از این تعداد ۱۳۷ واحد آن به دروس تخصصی و ۲۰ واحد دیگر به دروس عمومی اختصاص داده شده است.

چشم‌انداز این است که دانشجویان پس از گذراندن ۱۳۷ واحد درس تخصصی به مهارت‌های ترجمه برسند و قادر باشند متون علمی، فنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اسلامی را از زبان آلمانی به زبان فارسی و بالعکس ترجمه کنند.

حقانی در مقاله‌ای با عنوان «آموزش ترجمه» در نشریه پژوهش زبان‌های خارجی دانشگاه تهران شماره ۱۶، صفحات ۷۱-۷۲-۷۳ به ۴ محور اصلی برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی اشاره کرده است.

۱- محور آموزش زبان: نداشتن تسلط کافی در زبان خارجی باعث می‌گردد که متن مبدأ درک نشود و این امر باعث می‌شود، مترجم در نگارش مقصد دچار مشکل شود. (مهارت و توانایی در زبان مادری و زبان خارجه).

۲- محور فرهنگی: بهره‌مندی از دانش زبانی و فرهنگ مبدأ و مقصد جزء الزامات برنامه درسی مترجمی محسوب می‌شود و عدم توانایی و نداشتن دانش کافی در مسائل فرهنگی، باعث ناکامی مترجم در نگارش انواع متون به خصوص متون ادبی می‌شود.

۳- محور آموزش مترجمی: آموزش مترجمی نباید فقط به محصول و ارائه ترجمه معطوف باشد، بلکه باید مسئله آموزش ترجمه، مدنظر قرار گیرد.

۴- محور تحصیلات تکمیلی: واحدهای تکمیلی در کنار واحدهای زبان و مترجمی جزء الزامات یک برنامه درسی رشته مترجمی است، واحدهای تکمیلی به دانشجوی مترجمی کمک می‌کند تا او ساختار نحوی متن و ارتباطات بین بخش‌های متن را دریابد. آموزش مترجمان چیره‌دست نیاز به یک رشته مستقل دارد. مترجم غیر از تسلط به دو زبان مبدأ و مقصد باید در این زمینه تسلط کافی داشته باشند (حقانی، ۱۳۸۶، ۵۰).

توانایی‌های نگارشی، ارزیابی، خلاصه‌نویسی، تفسیر و تدوین متن، اطلاعات تخصصی در مورد کامپیوتر و استفاده از واژه‌نامه‌ها و مشاوره در مسائل فرهنگی و بین فرهنگی مترجم، هم رابط زبانی و هم رابط فرهنگی محسوب می‌شود که نه فقط به زبان، بلکه باید به رسم و رسوم و آداب و سنن و قواعد فرهنگ زبان مبدأ نیز آشنایی داشته باشد (کاتس، ۲۰۰۰، ۱۸-۴۱۵-۴۱۹).

مهارت‌هایی که باید در یک برنامه درسی مترجمی زبان آلمانی گنجانده شود، به نظر کاتس از این قرار است (کاتس، ۲۰۰۰، ۴۱۱).

۱) مهارت و تسلط به زبان مادری و زبان خارجی (زبان مبدأ) ۲) مهارت و کسب دانش فرهنگی و بین فرهنگی ۳) مهارت و توانایی مسائل زبان‌شناسی ۴) مهارت در زبان دوم خارجی ۵) آشنایی و دانش کافی در زمینه نظریه‌های مترجمی ۶) مهارت در فن ترجمه ۷) مهارت در تحقیق و پژوهش ۸) مهارت و توانایی در ترجمه شفاهی.

با بررسی و تحلیل روش تدریس، و شیوه انتخاب و ارائه محتوای درسی و غیره، می‌توان به اطلاعات و جزئیات بیشتری از برنامه درسی پی برد و این بخش را کامل کرد. از این‌رو در این تحقیق از تجربیات و مشاهدات دانشجویان و استادان گروه آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی تهران در این زمینه بهره گرفته شده است.

الف. بررسی واحدهای نیم‌سال پیش‌دانشگاهی

۱) از ۳۲ دانشجویی که مورد پرسش واقع شده‌اند ۲۵ نفر دوره پیش‌دانشگاهی را گذرانده‌اند که می‌توان گفت درصد بالایی از آنان فاقد دانش زبانی آلمانی‌اند و یادگیری زبان آلمانی را از دانشگاه آغاز کرده‌اند. بر این اساس چهار مهارت اصلی و مهارت‌های جانبی زبان که می‌بایست در این برنامه آموزشی در دوره مقدماتی در نظر گرفته شود، به صورت گزینشی و

به طور خاص مهارت نگارشی و مهارت واژگانی بسیار کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است.

۲) عدم توجه به دانش فرهنگی در دوره پیش دانشگاهی: از آنجا که مهارت فرهنگی جزء عناصر مهم برنامه درسی رشته مترجمی است، می‌توان حداقل یک درس ۲ واحدی برای آن اختصاص داد. قابل توجه است که مباحث فرهنگی به نوعی کنجکاوی و علاقه و انگیزه یادگیری دانشجویان را برمی‌انگیزد، بخصوص دانشجویانی که در کشور آلمان نبوده‌اند و به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی کشور آلمان آشنایی ندارند و با زندگی روزمره آلمان بیگانه‌اند، آشنایی آنان با کشور آلمان تنها به واسطه برنامه‌های تلویزیونی ویا از طریق جراید و مطبوعات بوده است.

۳) ارائه ۱۰ واحد درسی برای دستور پایه، جایی برای مهارت‌های فرهنگی، نگارشی و واژگانی و حتی زبان دوم نگذاشته است. براساس تحقیقات میدانی صورت گرفته، ارائه ۱۰ واحد درسی برای دستور پایه به جز ایجاد خستگی و دلزدگی و دلسردی برای دانشجویان که با انگیزه قوی می‌خواهند زبان آلمانی را فراگیرند چیز دیگری به ارمغان نیاورده است.

۴) از آنجا که مهارت در خواندن جزء جدایی‌ناپذیر هر برنامه درسی است، باید هدف از ارائه این درس نیز روشن باشد تا دانشجویان بتوانند با راهبردهای خواندن متون مختلف آشنا شوند و قادر به فهم متون روزمره آلمانی باشند. با توجه به اینکه سرفصل این درس همانند بسیاری از دروس دیگر مبهم ارائه شده است، چگونگی کسب این مهارت به وسیله دانشجویان مبهم می‌ماند.

ب. بررسی واحدهای نیم‌سال اول

۱- در این نیم‌سال مرحله آموزش زبان هنوز به اتمام نرسیده، با این حال باید دانشجو کار ترجمه را آغاز کند. درس ترجمه ساده از آلمانی ۱ خود گواه این مطلب است. هدف ارائه این درس در این نیم‌سال روشن نیست و اینکه مرزبندی بین ترجمه ساده و ترجمه پیشرفته چه می‌تواند باشد، خود یکی دیگر از این چالش‌های درسی است. بر اساس این پژوهش استادان دروس ترجمه ساده از آلمانی ۱ و ۲ و ترجمه ساده از فارسی ۱ و ۲ و ترجمه پیشرفته از فارسی ۱ و ۲ بیشتر در انتخاب مواد درسی دروس نامبرده، دچار سردرگمی می‌شوند، زیرا همانطور که گفته شد معیارهای مشخصی برای جداسازی متون ساده و پیشرفته ارائه نشده است.

۲- درس درک مفهوم و تمرین بیان ۱: درس درک مفهوم یکی از ارکان اصلی آموزش مترجمی و تربیت مترجمان است، زیرا بدون درک صحیح از متن، هرگز نمی‌توان ترجمه‌ای صحیح ارائه داد. «یکی از اهداف درک درس مفهوم این است که دانشجو بتواند نکات مهم در متن را تشخیص دهد و بتواند به سؤالاتی که درخصوص متن مطرح می‌گردد پاسخ دهد، برای مثال به این سؤال که از خواندن متن چه چیزی را فهمیده و به چه اطلاعاتی می‌خواسته برسد» (کاست ۵۱).

طبق بررسی و ارزیابی صورت گرفته، در دروس درک مفهوم و تمرین بیان ۱ و ۲ از کتاب *Leseheft für Ausländer* (Schulz/ Griesbach 1955) استفاده می‌شود. در مقدمه این کتاب آمده است که برای همه متن‌های این کتاب سؤالات کافی درباره درک مطلب ارائه نشده است و معلم خود می‌تواند در رابطه با متن، سؤالاتی را مطرح نماید. البته به طور معمول چنین کاری در کلاس‌های این درس صورت نمی‌گیرد. کتابی که در دهه ۵۰ چاپ شده است، بدون شک از سبک نگارش و اصطلاحات قدیمی که دیگر امروزه به ندرت از آن استفاده می‌شود، بهره می‌جوید. از طرفی دیگر کتاب مذکور نگارش جدید زبان آلمانی را لحاظ نکرده و دارای تصاویری سیاه و سفید است که از کیفیت مناسبی برخوردار نیستند. این مسئله باعث ایجاد بی‌انگیزگی در درس درک مفهوم و تمرین بیان در دانشجویان می‌شود.

۳- درس زبان خارجی: تعریف این درس مشخص نیست و معلوم نیست که دارای چه هدفی است، زیرا در نیم‌سال بعد، درس دستور زبان آلمانی ۱ ارائه می‌شود که ارتباط این درس با درس‌های پیشین و پسین خود مشخص نیست.

۴- درس آزمایشگاه ۱: این درس در ادامه درس آزمایشگاه در دوره پیش‌دانشگاهی است که با شماره ۱ مشخص و متمایز شده است. لازم به ذکر است که در دوره مقدماتی درس آزمایشگاه با کتاب آموزشی تانگرام که بر اساس روش یادگیری جمعی است تدریس می‌شود که در ترم ۱ در آزمایشگاه ۱ دوباره مدرس از همان فصل اول، آموزش تدریس را آغاز می‌کند. این کار در مجموع باعث بی‌انگیزگی و سردرگمی دانشجویان و تکرار بی‌مورد و اتلاف وقت است.

ج. بررسی واحدهای نیم‌سال دوم

۱- از بررسی مطالعات تکمیلی چنین منتج می‌گردد که اهداف، شیوه و فرآیند آموزش و محتوای مواد درسی و شیوه ارزیابی دانشجویان در دروس تحت شماره ۲ با همان دروس که با

شماره ۱ مشخص شده‌اند، تفاوت چندانی نداشته است. در بررسی تطبیقی که در آن برنامه درسی مترجمی زبان آلمانی دانشگاه آزاد با برنامه درسی مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی دانشگاه تهران صورت گرفته به این نتیجه رسیده‌ایم که برنامه درسی دانشگاه تهران به هیچ عنوان از عناوین ساده و پیشرفته و شماره‌های ۱ و ۲ برای دروس استفاده نکرده، بلکه به جای بازی با این عناوین و شماره‌ها عناوین دروس به درستی تعریف شده و اهداف هر درس مشخص گردیده و مواد درسی نیز برای هر درس پیشنهاد شده و منابع آن نیز ذکر شده است.

۲- درس ترجمه ساده از آلمانی ۱ در نیم‌سال اول ارائه می‌شود و درس ترجمه ساده از آلمانی ۲ در نیم‌سال دوم که این مسئله نشان دهنده عدم توجه به مرحله (مراحل) آموزش زبان است، زیرا در ابتدا می‌بایست دانشجو زبان مقصد را فراگرفته و سپس مرحله ترجمه را آغاز کند. نتیجه اینکه دانشجو قبل از فراگیری اصول و فنون ترجمه و ترجمه‌شناسی شروع به ترجمه کرده است.

۳- نبود درس نگارش، واژگان و درس شناخت آلمان از جمله موارد قابل ذکر دیگری در این نیم‌سال است. با در نظر داشتن این نکته که دانشجویان در واقع با در نظر گرفتن نیم‌سال پیش‌دانشگاهی در نیم‌سال سوم خود هستند، و به خاطر غیر اصولی بودن برنامه درسی وارد مرحله ترجمه شده‌اند چگونه امکان این امر بدون کسب مهارت‌های اصولی و جانبی مثل مهارت نگارشی، و واژگانی، و فرهنگی و درست‌نویسی و ترجمه‌شناسی وجود دارد.

د. بررسی واحدهای نیم‌سال سوم

۱- درس جمله‌نویسی و انشا ۱: ارائه همین درس با شماره ۲ در ترم چهارم و بعد درس انشا ۱ در ترم پنجم و انشا ۲ در ترم ششم، نشان‌دهنده تداخل دروس با هم و عدم اطلاع برنامه‌ریزان از اهداف این دروس است.

۲- یادگیری واژگان جزو مهارت‌های زبانی محسوب می‌شود. داشتن دایره وسیع لغات، و هنر بکارگیری آنها باعث تسهیل در فرآیند یادگیری زبان می‌شود. بنابراین آموزش اصولی و منسجم درس واژگان از عوامل اساسی در برنامه درسی مترجمی زبان است که بعد از گذشت سالیان متمادی تاکنون به صورت علمی به آن توجه نمی‌شود. به خاطر عدم توجه برنامه‌ریزان به درس تمرین واژگان و اصطلاحات این درس تازه در نیم‌سال چهارم ارائه می‌گردد، در صورتی که می‌بایست تمرین واژگان و اصطلاحات در دوره پیش‌نیاز ارائه می‌شده، یعنی دانشجویانی که بیش از ۵۰ درصد از واحدهای خود را گذرانده‌اند، تازه واژگان پایه را که

حدود ۲۰۰۰ واژه است یاد می‌گیرند و این سؤال مطرح می‌شود که چطور دانشجویان تاکنون دیگر دروسی را مثل ترجمه، یا درک مفهوم، انشا، آزمایشگاه و غیره را پاس کرده‌اند.

۳- دروس مربوط به دستور پایه با ۱۰ واحد در پیش‌دانشگاهی، زبان آلمانی ۳ واحد در ترم اول، دستور آلمانی ۱ در ترم دوم با ۲ واحد و درس دستور آلمانی ۲ در ترم سوم با ۳ واحد و همین‌طور درس ترجمه ساده از فارسی ۱ با ۳ واحد در ترم سوم و پیرو آن درس ترجمه ساده از آلمانی ۱ و ۲ در ترم‌های اول و دوم که برای هر درس ۴ واحد در نظر گرفته شده است و برای درس تمرین واژگان در ترم سه ۲ واحد و در ترم چهار، ۳ واحد و برای دروس ترجمه انفرادی یک، ۲ واحد و ترجمه انفرادی دو، ۴ واحد اختصاص یافته است که خود بیانگر تقسیم ناموزون و غیراصولی واحدها و محتوای درسی در این برنامه آموزشی است و هر کسی را به این فکر و می‌دارد که برنامه‌ریزان خواسته‌اند به هر شکل ممکن فقط برنامه درسی را با واحدها و شماره‌های ۱ و ۲ پر کرده و مایل به ادامه این سریال به هر نحو بوده‌اند که این رویکرد تا پایان ترم هشتم و در دیگر دروس نیز ادامه پیدا می‌کند.

۴- ترجمه فنی ۱: هدف این درس تسلط و کسب مهارت در ترجمه متون تخصصی است که البته خود لغت فنی هم سؤال‌برانگیز بوده و واضح نیست که باید چه متونی برای این درس انتخاب شود و این درحالی صورت می‌گیرد که دانشجو هنوز درگیر یادگیری دستور با آن حجم سنگین واحدها است و هنوز بدان سطح لازم از توانایی‌ها و معلومات زبانی نرسیده که این گونه متون را ترجمه کند. این درس جایگزین درس زبان دوم خارجه شده که بدون هیچ استدلالی از کل برنامه درسی حذف شده است.

ه. بررسی واحدهای نیم‌سال ۴

۱- دستور پیشرفته ۱: عنوان پیشرفته همان‌گونه که در درس ترجمه ساده و دستور مقدماتی به آن اشاره شد، دارای پیچیدگی معنایی و تعریف نادرست از این درس است که بدیهی است مدرس و دانشجویان را هم سردرگم کرده و چالش‌هایی را در زمینه‌های تعیین اهداف این درس و برگزیدن موضوعات درسی و آماده‌سازی تدریس و دشواری‌هایی در فرآیند آموزش و چه‌گونگی برگزاری و طرح سؤالات امتحانی در پی خواهد داشت.

و. بررسی واحدهای نیم‌سال پنجم

۱- بعد از گذشت بیش از نیمی از کل تحصیل، درسی با عنوان درآمدی بر ادبیات ۱

عرضه می‌گردد، این خود بیانگر آن است که فاکتور مهارت و معلومات فرهنگی و آشنایی با کشورهای آلمانی‌زبان که دربرگیرنده موضوعات اجتماعی و سیاسی و آموزشی و غیره زبان مبدأ بوده و مورد توجه دانشجویان است و جزو انگیزه‌های اصلی انتخاب آنان از رشته مترجمی بوده (بر اساس تحقیقات میدانی صورت گرفته در این مقاله) مورد تأکید قرار نگرفته است.

درس زبان‌شناسی همگانی ۲ در این ترم باید با عنوان زبان‌شناسی تخصصی ارائه شود، اما باز این درس با عنوان زبان‌شناسی همگانی ۲ در برنامه درسی پیش‌بینی می‌شود. زبان‌شناسی تخصصی یکی از محورهای اصلی آموزش است که با عنوان دروس تفکیکی به آن اشاره شده است. تنها ۴ واحد در مجموع ۱۳۷ واحد تخصصی به درس زبان‌شناسی همگانی ۱ و ۲ اختصاص یافته که بسیار ناچیز است و مسئله دیگر این‌که چرا زبان‌شناسی همگانی ۲ با این فاصله و مکث طولانی با درس زبان‌شناسی همگانی ۱ در این ترم قرار گرفته است.

ز. بررسی واحدهای نیم‌سال ششم

۱- در برنامه درسی برای مهارت در پژوهش و تحقیق تنها ۲ واحد اختصاص یافته و برای درس ترجمه‌شناسی و زبان خارجه دوم هیچ واحدی در نظر گرفته نشده است.

۲- در جمع‌بندی تحقیق میدانی از استادان گروه آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی مشخص می‌شود که از بدو تاسیس گروه آلمانی تاکنون، هیچ‌گونه دوره آموزشی برای معلمان آن گروه برگزار نشده است و تعدادی از استادان گروه آلمانی هنوز با کتاب‌ها و جزوات درسی ۲۸ سال قبل کار می‌کنند و از روش تدریس سنتی گرامر- ترجمه استفاده می‌کنند برای مثال در درس گرامر همان‌طور که قبلاً ذکر شد از کتاب آموزشی (*Deutsche Sprachlehre für Ausländer*) و در درس درک مفهوم از کتاب (*Leseheft*) و در درس تجزیه و تحلیل دستوری ۱ و ۲ از کتاب گرامر (*Einführung in die Satzanalyse und in die Syntax der deutschen Sprache*) استفاده می‌شود.

«چنانچه از کتاب‌های آموزشی سالیان متمادی استفاده گردد می‌تواند باعث بی‌انگیزی و بی‌میلی در فراگیری زبان در نزد زبان‌آموزان شود، از این رو می‌بایست فضای جدیدی در کلاس خلق کرد و به نحوی آموزش داد که باعث ایجاد انگیزه در میان زبان‌آموزان شود. کتاب آموزشی که چاپ آن بیش از ۱۰ سال یا بیشتر باشد هرگز نخواهد توانست بازگوکننده مسائل

روز و تخصصی در زمینه آموزش شود. همانطور که تغییرات در کادر استادان صورت می‌گیرد و معلمان و مدیرگروه جدید جای معلمان و مدیرگروه قدیمی را می‌گیرند می‌باید مطالب آموزشی نیز به روز گردند.» (کاست، ۱۹۹۶، ۱۱۱).

ح. بررسی واحدهای نیم‌سال هفتم

۱- کل اصلاح و بازنگری جدی که توسط گروه آلمانی صورت گرفته معطوف می‌شود به حذف درس اصول تحقیق ۲ و اصول ترجمه ۲ و جابجایی درس زبان‌شناسی همگانی ۲ از ترم دوم به ترم پنجم و معلوم نیست که چرا دیگر دروسی که با شماره ۲ ارائه شده‌اند، از کل برنامه درسی حذف نگردیده‌اند.

۲- هدف از درس ترجمه انفرادی بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، این است که بین دروس ترجمه در کلاس و ترجمه به صورت انفرادی تفکیکی صورت گیرد، هر چند که فرآیند ترجمه به صورت گروهی در کلاس لذت‌بخش‌تر است و باعث ایجاد انگیزه و یادگیری بیشتری در دانشجویان می‌شود. مدرس در ابتدای ترم مطالب و موضوعاتی را برای ترجمه بین دانشجویان این کلاس تقسیم کرده و از آنان می‌خواهد که در پایان ترم ترجمه آن مطالب را به او تحویل دهند. دانشجویان در طول ترم متون مربوطه را ترجمه می‌کنند و در واقع قرار است در این هنگام که درگیر فرآیند ترجمه هستند برای درمیان گذاشتن مسائل مربوط به روند ترجمه به مدرس مربوطه مراجعه کنند و در این خصوص در طول ترم با او مشورت کنند که غالباً این کار صورت نمی‌گیرد. نحوه ارزیابی توانایی‌ها و معلومات دانشجویان در این درس با برگزاری امتحانات مشترک به مانند امتحانات دیگر دروس بوده و هیچ فرقی ندارد.

۳- در نیم‌سال اول و دوم درس ترجمه ساده از آلمانی ۱ و ۲ و در نیم‌سال سوم و چهارم ترجمه ساده از فارسی ۱ و ۲ در نیم‌سال هفتم ترجمه پیشرفته از فارسی ۱ گنجانده می‌شود که اگر به ترتیب واحدهای ارائه شده از ترم ۱ تا ۷ نگاهی بیندازیم، مشاهده می‌کنیم که می‌باید طبق معمول در این ترم ترجمه پیشرفته از آلمانی ۱ در نظر گرفته می‌شده و نه ترجمه پیشرفته از فارسی ۱.

ط. بررسی واحدهای نیم‌سال هشتم

حال مطالب گفته شده جمع‌بندی می‌شود و نقایص مشروح زیر یادآوری می‌گردند:

- ۱- توجه به تمرین ترجمه و نادیده گرفتن فنون و روش‌های آموزش در کلاس ترجمه که باید در آن به راه‌حل‌ها و مشکلات ترجمه پرداخت و از ارائه ترجمه‌های عالی و پرداختن به ریزه‌کاری‌های ترجمه که زمان زیادی از وقت کلاس را می‌گیرد خودداری کرد.
- ۲- نادیده گرفتن درس آزمایشگاه که نیاز دانشجویان را در کسب مهارت گفتاری و شنیداری تأمین نکرده و فقط به برگزاری کلاس‌های آن کفایت می‌شود.
- ۳- تکراری بودن و شبیه بودن و موازی بودن دروس با هم و گنجاندن بی‌مورد بعضی از واحدها؛ برای مثال، درس جمله‌نویسی و انشا ۱ و ۲ و انشا ۱ و ۲ و دروس دستور با عنوان پایه و پیشرفته ۱ و ۲ و ترجمه ساده و پیشرفته ۱ و ۲ و ترجمه علوم انسانی ۱ و ۲ و دیگر دروس از ویژگی‌های بارز این برنامه است.
- ۴- دانستن و آگاهی از این‌که تفاوت اصول یادگیری جمعی و انفرادی چیست و پاسخ به این سؤال، روشن‌گر این است که باید در درس انفرادی به چه مهارت‌هایی توجه شود. اما در عمل می‌بینیم که رعایت اصول یادگیری انفرادی تنها به ترجمه چند صفحه و تحویل آن در پایان ترم منحصر می‌شود. حاصل بررسی‌های صورت گرفته بازگوکننده آن است که استادان درس ترجمه انفرادی وقت بررسی ترجمه‌های دانشجویان را ندارند و البته باید به این موضوع نیز توجه کرد که امکان تصحیح ترجمه‌ها در کلاسی که از ۳۰ تا ۴۰ دانشجو تشکیل شده عملاً غیرممکن است و از طرفی دیگر استادان گروه آلمانی دانشگاه آزاد به غیر از ساعات تدریس، وقت آزاد مشخص برای پاسخگویی به دانشجویان ندارند. در نهایت برگزاری درس انفرادی موفقیت‌آمیز نیست و هدف خاصی را دنبال نمی‌کند.
- ۵- وجود واژه‌های گنگ و نامفهوم و تفکیک نشده، مثل ترجمه انفرادی، درک مفهوم و تمرین بیان، جمله‌نویسی و انشا و جفت‌هایی از لغات تعریف نشده مثل ساده و پیشرفته در دروس دستور و ترجمه مانند دستور پیشرفته و ترجمه ساده و پیشرفته.
- ۶- نادیده گرفتن دیگر اصول بنیادی مربوط به مهارت‌ها و توانایی‌هایی که جزء جدایی‌ناپذیر یک برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی است از چالش‌های بزرگ این برنامه است که یا به آن توجه کافی نشده و یا هرگز جایی را در برنامه درسی برای آن متصور نشده‌اند. به مانند مهارت‌های فرهنگی (کشورهای آلمانی/ زبان/ تاریخ معاصر آلمان)، زبان دوم خارجه، مهارت‌های پژوهشی و تحقیق (شیوه ارائه کار عملی و پروژه)، ترجمه‌شناسی،

مترجمی شفاهی و دروس تفکیکی (زبان‌شناسی تخصصی).

۷- چهار اصلی که پیشتر راجع به آن توضیح داده شده: ۱- آموزش زبان ۲- آموزش مترجمی ۳- دانش فرهنگی ۴- دروس تفکیکی به درستی شکل نگرفته‌اند و در پیوند با هم رشد نکرده‌اند. و تعمیق و بسط و گسترش و ارتباط آنان با یکدیگر، منظم و منسجم نیست. ۸- تکرار زنجیره‌ای از دروس دستور و ترجمه که در برنامه درسی بیش از حد بر این دو گزینه تأکید شده است.

۹- در برنامه درسی مهارت‌های زبانی از قبیل شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن در پیوند با هم نبوده و مهارت‌های اولیه (شنیدن، گفتار، خواندن و نوشتن) به صورت پراکنده در تمامی برنامه درسی عرضه شده است و بعضی از مهارت‌ها نادیده گرفته شده و فقط به برگزاری کلاس‌های آن کفایت می‌شود و به جای تأکید بر مهارت‌های چهارگانه زبانی کلاس‌هایی با عناوین خواندن، درآمدی بر ادبیات ۱ و ۲ تمرین واژگان ۱ و ۲ و درک مفهوم و تمرین بیان ۱ و ۲، تلخیص ۱ و ۲ و غیره ارائه شوند.

۱۰- اهمیت ندادن به مهارت واژگانی و نوشتن در فاز اولیه آموزش، با توجه به نتایج آماري و مشاهدات صورت گرفته باید گفت که اگر چه در برنامه درسی ۵۱ واحد برای دروس ترجمه و ۲۸ واحد برای دروس دستور در نظر گرفته شده، با این وجود دانشجویان در توانایی ترجمه و فهم مسائل گرامری ضعیف بوده‌اند که این امر بازگو کننده آن است که روش دستور ترجمه نیز به درستی اجرا نشده است.

شیوه توزیع پودمان‌های برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی (ساختار- محتوا- تعداد واحدها)

در این قسمت به کمک جدول ۱ بهتر می‌توان نحوه تقسیم دروس و واحدهای آن را مشاهده کرد.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، تقسیم واحدها و دروس متناسب نبوده و برای بعضی از دروس، تعداد واحدهای بسیار و برای بعضی دیگر واحدهای کمی در نظر گرفته شده. تداخل، عدم توازن و تعادل و از هم‌گسیختگی از دیگر نکات قابل ذکر است.

جدول شماره ۱ شیوه توزیع پودمان‌های برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی

شاخص‌ها	نام درس	جمع واحدهای در نظر گرفته شده
مهارت در زبان مادری	ساخت زبان فارسی - فارسی عمومی	۵
مهارت زبان خارجی	خواندن - آزمونگاه - آزمونگاه ۲، درک متن و تمرین بیان ۲، جمله‌نویسی و انشا ۲، تمرین واژگان ۲، انشا ۱ و ۲، تلخیص متون ۲	۳۵
مهارت فرهنگی	درآمدی بر ادبیات ۲	۴
مهارت تحقیق و پژوهش	اصول تحقیق	۲
مهارت زبان دوم خارجی	-----	۰
مهارت در زبان‌شناسی	زبان‌شناسی همگانی ۲	۴
مهارت دستوری	دستور پایه - زبان خارجی - دستور آلمانی ۱ و ۲ - تجزیه و تحلیل دستوری ۲ - دستور پیشرفته ۲	۲۸
مهارت در تئوری‌های ترجمه	اصول ترجمه	۲
مهارت در تمرین ترجمه	ترجمه ساده از آلمانی ۲ - ترجمه ساده از فارسی ۲ - ترجمه فنی ۲ - بررسی ترجمه متون اسلامی ۲ - ترجمه نامه‌های اداری و بازرگانی ۲ - ترجمه مکاتبات و اسناد ۲ - ترجمه متون علوم انسانی ۲ - ترجمه مطبوعاتی ۲ - ترجمه انفرادی ۲ - ترجمه پیشرفته از فارسی ۲	۵۱
مهارت در ترجمه شفاهی	-----	۰
	مجموع	۱۳۷

بررسی و ارزیابی تجربی برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی از نگاه دانشجویان این رشته در این بخش از مشاهدات و تجربیات و ایده‌های دانشجویان رشته مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی گروه آلمانی دانشگاه آزاد بهره می‌جویم و برنامه درسی مذکور را دقیق و عملی بررسی خواهیم کرد. انتخاب دانشجویان به صورت اتفاقی صورت گرفته و از ۳۲ دانشجوی این رشته که بیش از نیمی از آنان در ترم‌های ۷ و ۸ بوده‌اند در خرداد ماه ۱۳۹۲ مصاحبه‌ای شفاهی انجام شده است. از ۳۲ دانشجوی مذکور ۲۸ نفر زن و ۴ نفر مرد بوده‌اند. از مجموع ۵۳ پرسشی که به صورت گزینه‌ای و تشریحی بوده، فقط تعدادی از آنان که مربوط به بحث برنامه درسی و انگیزه انتخاب رشته مترجمی و نظرات و نگرش دانشجویان بوده انتخاب شده است که در پی می‌آیند.

۱- انگیزه و دلایل شما برای تحصیل در رشته مترجمی زبان آلمانی چه بوده است و می‌خواهید با توجه به تحصیل در این رشته چه کاره شوید؟
۷ نفر از ۳۲ دانشجوی پاسخ دهنده به این سؤال دلایل شغلی و ۸ نفر تحصیل در آلمان و ۸ نفر باقی‌مانده، ارتباط با آلمانی زبان‌ها و بقیه (۹ نفر) علاقه به زبان آلمانی را از دلایل مهم انتخاب این رشته ذکر کرده‌اند.

۱۳ نفر شغل معلمی ۸ نفر مترجمی ۵ نفر راهنمای تور را از انگیزه‌های شغلی انتخاب این رشته دانسته‌اند. در ضمن بیش از ۹۰ درصد از دانشجویان از آینده تحصیلی و شغلی خود تصویر روشن نداشته‌اند.

نتیجه حاصل از پاسخ به این پرسش‌ها این است: برای اصلاحات درازمدت در جهت بهبود بخشیدن به وضعیت رشته آلمانی باید به شرایط عمومی و فردی دانشجویان، فعالیت‌های شغلی مورد نظر آنان بعد از اتمام تحصیل و انگیزه آنان از تحصیل و محتوای برنامه درسی دقت شود.

۲- به نظر شما واحدهای درس گفت و شنود کافی است؟ توانایی خود را در این درس در چه حدی می‌بینید؟

همه پاسخ دهندگان تعداد واحدهای این درس را بسیار کم دانسته و ۹۰ درصد از آنان توانایی خود را در گفتار و شنیدار به زبان آلمانی ضعیف ارزیابی کرده‌اند و ۲۶ نفر از آنان مهارت‌های عملی زبان مثل مهارت‌های گفتار و نوشتار را مهم‌تر از مهارت‌های نظری مثل دانستن قواعد دستوری و نظریه‌های ترجمه دانسته‌اند.

۳- توانایی خود را در دستور زبان آلمانی چه طور می‌بینید؟ به نظر شما واحدهای این

درس کافی است؟

۱۰ نفر توانایی خود را بسیار ضعیف و ۱۰ نفر متوسط، ۸ نفر خوب و ۲ نفر عالی اظهار داشته‌اند و ۱۱ نفر مقدار واحد درس دستور زبان را در مجموع بسیار زیاد و ۱۴ نفر خیلی زیاد و ۳ نفر در حد معمول و ۲ نفر کم دانسته‌اند.

۴- مهارت خود را در ترجمه به طور کل چه طور ارزیابی می‌کنید؟ آیا تعداد واحدهای این درس کافی است؟ از ساختار برنامه آموزشی رشته مترجمی رضایت دارید؟

۱۷ نفر دروس ترجمه را بسیار خسته‌کننده و ۸ نفر در حد معمولی و ۲ نفر کلاس‌های ترجمه را جالب و خوب دانسته‌اند. بیش از ۹۰ درصد از دانشجویان موضوعات درسی را کهنه و قدیمی و بی‌فایده و طولانی و یکنواخت ارزیابی کرده‌اند. ۲۴ نفر از مهارت‌های خود در فن ترجمه رضایت نداشته و ۸ نفر هم تا حدودی مهارت‌های خود را در این خصوص رضایت‌بخش دانسته‌اند. همه پاسخ‌دهندگان واحدهای این درس را (۵۱ واحد) بیش از اندازه معمول و ۹۵ درصد از پاسخ‌دهندگان ساختار برنامه درسی را ساختاری غلط و نامناسب می‌دانند.

۵- توانایی خود را در واژگان در چه حدی می‌بینید؟ و آیا تعداد واحدهای در نظر گرفته شده برای درس تمرین واژگان کافی است؟

۱۸ نفر مهارت خود را در واژگان ضعیف، ۱۲ نفر متوسط و یک نفر خوب و یک نفر عالی اظهار می‌دارند و ۲۲ نفر از آنان تعداد واحدهای درسی را کم و ۷ نفر کافی دانسته‌اند.

جمع‌بندی تحقیق

به کمک این تحقیق میدانی که به صورت خلاصه آورده شد می‌توان تصویر کلی از ساختار برنامه درسی و نتایج آن به دست آورد. چنانچه به نتایج آماری توجه شود پی خواهیم برد که دانش‌پژوهان با توجه به اینکه در ترم‌های آخر تحصیلی‌اند، از لحاظ توانمندی و معلومات در گستره‌های گفتن - شنیدن - خواندن - نوشتن و واژگان و آشنایی با فرهنگ زبان مبدأ و در توانمندی فن ترجمه، کمبودها و کاستی‌های بی‌شماری دارند. این خود گواه آن است که واحدهای درسی تناسب و وزن محتوایی نداشته و ساختار آموزشی برنامه درسی دارای چالش‌های بزرگی بوده است که باید در رفع آن اقدامات جدی صورت گیرد.

نتیجه

از آنجا که برنامه درسی از اجزای متعددی تشکیل شده و از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است، پرداختن به آنها نیاز به پژوهش و تحقیقات گسترده‌تری دارد که خود می‌تواند منشأ نگارش مقالات دیگری باشد. در این مقاله سعی شده است از پژوهش‌ها و مطالعات نظری و عملی استفاده شود و به اصول اساسی و فاکتورهای مهم برنامه درسی رشته مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی به اختصار اشاره گردد. در مجموع باید اذعان داشت که برنامه درسی که به اجمال بررسی شد از لحاظ ساختار دسته‌بندی و ارتباط خطی دروس با هم و محتوای درسی و شیوه آموزش، فاقد انسجام منطقی بوده و بدیهی است که چنین برنامه درسی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای دانشجویان رشته مترجمی زبان آلمانی باشد و آنان را در کسب توانایی‌ها و معلومات لازم برای این رشته رهنمون باشد.

حال در نظر داریم با توجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته و آنچه مشاهده کردیم، پیشنهادها و راهبردهایی در خصوص توسعه و بهبود وضع موجود آموزش و ترسیم وضع مطلوب آموزشی و معرفی الزامات تحول در گستره مربوطه ارائه دهیم:

- نظام‌های آموزشی که دارای برنامه‌های استاندارد علمی‌اند، به نیروهای متخصص نیاز دارند. «جای هیچ‌گونه شکی نیست که به‌روز کردن برنامه درسی در ارتباط مستقیم با آموزش معلمان امکان‌پذیر است» (هامیر، ۱۹۸۳، ۷۲۶). برگزاری کلاس‌ها و سمینارهای آموزشی برای مدرسان و تشکیل جلسات و نظارت و کنترل دائمی بر فعالیتهای آموزشی استادان و بررسی و تحلیل سطح کیفی و کمی مدرسان و استادان و پیگیری وظایف محوله به کادر آموزشی و گروه آموزشی از اولویتهای تحول و تحقق وضعیت مطلوب است.

- بهره‌وری از استادان ایرانی و آلمانی زبان که تحصیلات مربوط به این رشته را داشته باشند و از سوابق درخشانی در این زمینه برخوردار باشند خوب است.

- ترسیم و تشریح وضع موجود آموزشی در آن واحد و تعیین دروس اصلی برنامه درسی و اهداف مرحله‌ای و نهایی برای رشته مترجمی زبان آلمانی با در نظر داشتن چشم‌انداز آینده این رشته از وظایف مهم گروه آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی تهران می‌باشد.

- تعیین سیاست‌ها و راهبردها و الزامات در جهت تغییر و تحول برنامه درسی (استراتژی‌های تدوین) و مشخص کردن نقش و وظیفه هر یک از اعضا (اساتید) و مدیران (مدیرگروه، رئیس دانشکده...) و نهادهای مربوطه.

- اهمیت توجه به برنامه درسی یکی از مهم‌ترین فاکتورها در یک نظام آموزشی است که

در قبل از این تحقیق نیز مورد توجه واقع شده است (دوستی‌زاده، ۲۰۰۸، ۲۹۴). چنانچه در این امر دقت لازم مبذول نگردد کل نظام آموزشی صدمه خواهد دید.

- تشکیل کمیسیونی (ستاد برنامه‌ریزی) که در آن برنامه‌ریزان، کارشناسان و پژوهشگران، مدیران، استادان و نمایندگان دانشجویان گردهم آمده و با بهره‌برداری از نتایج و یافته‌های علمی و تحقیقاتی و معیارهای علمی روز (روزآمد کردن برنامه) و با در نظر داشتن نیازهای فردی، اجتماعی و شغلی دانشجویان، برنامه درسی مدونی برای این رشته مترجمی زبان آلمانی تدوین کنند. در اینجا در تکمیل نظریه‌های مربوط به برنامه درسی جا دارد به نظریه گابرنیز اشاره کرد که در تدوین برنامه درسی رشته مترجمی به ۲ مرحله مهم اشاره می‌کند: ۱- مرحله قبل از تدوین برنامه درسی رشته مترجمی که در آن باید به نیازهای بازارکار توجه داشت که این امر احتمال جذب دانشجویان در بازارکار را بالا می‌برد. ۲- مرحله دوم تدوین برنامه درسی است، که تشخیص نیازهای دانشجویان رشته مترجمی است و باید به کسب مهارت‌ها در زبان مادری و زبان خارجی و توانایی‌های پژوهشی و تحقیقی و آموختن استراتژی‌های ترجمه و واژه‌شناسی و کارگروهی دانشجویان توجه داشت (گابرنیز، ۲۰۱۲، ۱۲).

- تغییر ساختاری در شیوه پذیرش داوطلبان این رشته که حداقل در هنگام پذیرش، به زبان آلمانی مسلط باشند، باعث می‌شود تا مدت زمان تحصیل و هزینه‌های تحصیلی کاهش یابد. لازم به ذکر است «شرایط پذیرش دانشجویان در رشته مترجمی در دانشگاه‌های اروپایی حداقل تسلط به یک زبان خارجی است که همان زبان مقصد است» (حقانی، ۱۳۸۸، ۶۳).

- ایجاد امکان ادامه تحصیل برای دانشجویان برای رسیدن به سطوح تحصیلی بالاتر از اصول اولیه برنامه درسی است و پیشنهاد می‌گردد که برای رشته مترجمی زبان آلمانی در مقاطع کارشناسی ارشد و بالاتر شرایط ادامه تحصیل مهیا گردد. در این مقاله سعی شده است با ارائه پیشنهادات باعث ایجاد و انسجام و ارتباط منطقی و اصولی گرایش‌های تحصیلی در گروه آلمانی دانشگاه آزاد شود.

ارتباط و همکاری و افزایش تعاملات علمی در رشته مورد بررسی با نهادها و مؤسسات آموزش عالی در کشور و همکاری بین‌المللی با نهادهای آموزشی به خصوص در کشورهای آلمانی زبان در حوزه‌های آموزش اساتید، اعزام اساتید و دانشجویان به کشورهای آلمانی زبان و فراهم کردن ادامه تحصیل آنان/ اعطای بورس تحصیلی‌اند (دوستی‌زاده، ۲۰۰۸، ۳۶۶).

Bibliography

- Barkowski, H. (2001). *Curriculumentwicklung und Lehrziele Deutsch als Zweitsprache*. In: Gerhard Helbig, Lutz Götze, Gert Henrici und Hans-Jürgen Krumm (Hg.), *Deutsch als Fremdsprache. Ein internationales Handbuch*, 810-827. Bd. 2. (Handbücher zur Sprach- und Kommunikationswissenschaft 19). Berlin: de Gruyter Verl.
- Brunzel, P. (2002). *Kulturbezogenes Lernen und Interkulturalität: Zur Entwicklung kultureller Konnotationen im Französischunterricht*. (Giessener Beiträge zur Fremdsprachendidaktik.). Tübingen: Nar Verl.
- Dousteh Zadeh, M. (2008). *Das Fach "Deutsch" im Unterricht an iranischen Sprachinstituten & Universitäten Eine diskurstheoretische Untersuchung des Unterrichtsgeschehens unter Berücksichtigung interkultureller Kommunikation*. Saarbrücken : VDM Verl..
- Edmondson, W, J. & House, J. (2006). *Einführung in die Sprachlehrforschung*. 3. überarbeitete Auflage. Tübingen/Basel: UTB Verl.
- Gaber, S. (2012). *Curriculumentwicklung im Rahmen des dualen Fremdsprachenunterrichts*. München: Iudicium Verl.
- Haghani, N. (1386/2007). *Nazarha wa Nazariyehaye Tarjome (Comments and theories of translation)*. Tehran: Amirkabir.
- Haghani, Nader (1383/2004). *Amouzeshe Tarjome (Teaching Translate)* Tehran: Amirkabir
- Hameyer, U. & Fey, K. (1983). *Handbuch der Curriculumforschung*. Beltz Verlag Weinheim und Basel.
- Kautz, U. (2000). *Handbuch Didaktik des Übersetzens und Dolmetschens*. Iudicium: Goethe Institut.
- Krumm, H. J. (2007). *Ein Curriculum für Integrationskurse sollte mehr leisten als die Legitimierung von Prüfungen*. In: Ruth Eßer und Hans-Jürgen Krumm (Hg.), *Bausteine für Babylon: Sprache, Kultur, Unterricht ... Festschrift zum 60. Geburtstag von Hans Barkowski*, 170_183., München: Iudicium Verl.
- Krusche, D. (1997). *Fremderfahrung und -begriff oder: Vom Sprechen über ,andere Kultur'* In: Alois Wierlacher und Georg Stötzel (Hg.), *Blickwinkel: kulturelle Optik und interkulturelle Gegenstandsdiskussion. Akten des III. Internationalen Kongresses der Gesellschaft für Interkulturelle Germanistik. Düsseldorf 1994*, 65_80. (Publikationen der Gesellschaft für interkulturelle Germanistik 5). München: Iudicium Verl & Berlin: Langenscheidt..
- Plews, J. (2007). *The Core, the Outside, and the Borders: A Critical Curriculum History of Postsecondary*

- German in Canada*. In: Christoph Lorey, John Plews und Caroline L. Rieger (Hg.), *Interkulturelle*.
- Kompetenzen im Fremdsprachenunterricht. Intercultural Literacies and German in the Classroom. Festschrift für Manfred Prokop*, 1-29. Tübingen : Narr Verl..
- Kast, B. (1996). Zur Analyse, Begutachtung und Entwicklung von Lehrwerken. Langenscheidt KG. Berlin und München.
- Deutscher Akademischer Austauschdienst (DAAD). Germanistentreffen, Verlag, Daemisch Mohr, 53721 Siegburg
- Davarpanah. S. (2010). Interkulturelle Fertigkeit des Übersetzers, eine kontrastive Untersuchung der Curriculumskomponenten der iranischen, englischen und deutschen Übersetzungsfachrichtungen. Teheran: Universität Teheran.

